

نظریه شهید صدر (ره) در مورد اقتصاد اسلامی

ایمان عابدی^۱

مقدمه

اصطلاح علم، دانش، مکتب و یا نظام اقتصاد اسلامی (اقتصاد اسلامی با هر ماهیت دیگری که دارد) حدود صدسال است که در جوامع اسلامی و غیر اسلامی در بین عوام و خواص حوزه و دانشگاه بیشتر بکار می‌رود. دانشمندان بسیاری در سطح جهان در این موضوع کار کرده‌اند اما اگر نگوییم مهم‌ترین، یکی از مهم‌ترین افرادی که در اقتصاد اسلامی صاحب‌نظر است، شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر است.

روش بحث

مثل هر پدیده‌ی انسانی دیگری شکل‌گیری یک نظریه نیز تحت فضای تاریخی، مکانی، زمانی، جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی خاصی اتفاق می‌افتد. لذا برای فهم بهتر و کامل‌تر یک نظریه باید پیشینه و فضایی که باعث شده تا گزاره‌هایی در غالب یک تئوری به زبان آن دانشمند بیاید، بررسی شود. ما نیز در این مقاله قصد داریم بابتان تاریخچه کوتاهی از اقتصاد اسلامی ضمن تقریر نظریه شهید صدر تا حدی متوجه شویم چرا شهید صدر نظرات اقتصادی خود را در کتاب اقتصادنا به آن شکل مطرح کرده است. به همین منظور ابتدا کمی به عقب‌تر برگشته و ریشه شکل‌گیری اقتصاد اسلامی را که به‌نوعی در مواجهه با اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیستی ایجاد شده بیان می‌کنیم و همچنین بر زندگی‌نامه و سایر نظرات شهید صدر مرور کوتاهی می‌کنیم تا فضای شکل‌گیری کتاب اقتصادنا بر ما آشکار باشد تا در ادامه‌ی آن بتوانیم مختصری از مهم‌ترین مواضع استاد شهید محمدباقر صدر (ره) را بیان کنیم.

هرچند پرداختن به ریشه‌های نظریه شهید صدر نیازمند تحقیقات بسیار است اما امیدواریم در این تحقیق بتوانیم بابتان کلیدواژه‌هایی راه را برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باز کنیم.

شکل‌گیری اقتصاد متعارف

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته معارف اسلامی و اقتصاد کد ۹۲
abedi.iman.1995@gmail.com

ریشه شکل‌گیری علوم انسانی را به دوران رنسانس و شکل‌گیری جهان مدرن می‌توان برگرداند. چندین اتفاق در کنار هم در حال وقوع بودند تا اینکه جهان مدرن و به تبع آن علم اقتصاد متعارف را پدید آوردند.

۱. رشد هنر و نقاشی‌های واقع‌گرا
۲. کلیسا نقش اداره جوامع را بر عهده داشت و عملاً بی‌کفایتش در اداره جامعه آشکار شده بود، یعنی پس‌ازاینکه جهان غرب متوجه شد نظام سنتی - دینی حاکم بر قرون وسطی نمی‌تواند نیازهایش را برطرف کند به دنبال راه‌حلی برای رفع حواجش رفت.
۳. اصلاحات دینی، شاخه‌شاخه شدن کلیسا و مسیحیت به سمت نهضت پروتستان و...
۴. اصلاحات سیاسی و جدا شدن حاکمیت جامعه از کلیسا
۵. رشد علوم و به دنبال آن رشد فناوری (اختراع تلسکوپ، دستگاه چاپ، باروت و...)
۶. ظهور فلاسفه با دیدگاه‌های جدید ملهم از فلسفه یونان
۷. ترجمه آثار یونان و اسلام
۸. رشد بازرگانی و سفرهای تجاری
۹. انقلاب علمی به خصوص در زمینه نجوم و فیزیک و رشد روش‌های تجربی و مواجهه ذهن با عینیت بجای تکرار گزاره‌های دیکته شده‌ی کلیسا در توصیف واقعیات
۱۰. شکل‌گیری اندیشه‌های اومانیزم، لیبرالیسم، سکولاریسم و...
۱۱. و ...

چنین اتفاقاتی موجب شدند تا امور جامعه به قدری پیچیده شوند که تخصص‌ها شکل بگیرند و دانشمندان ناگزیر به مطالعه در یک حوزه و آن‌هم در فضای آکادمیک شوند. این چنین بود که دانش اقتصاد به صورت مکاتب مختلف شکل گرفتند تا اینکه در اوایل قرن بیستم به‌طور جدی تر دو اندیشه اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی (مارکسیستی) در مقابل هم ظاهر می‌شوند.

شکل‌گیری اقتصاد اسلامی

جرقه‌های اقتصاد اسلامی از اوایل قرن بیستم در زمانی زده می‌شود که برخی کشورهای اسلامی (نظیر پاکستان ۱۹۴۷) از استعمار کهنه (استعمار کهن، شیوه‌ای استعماری بوده که قدرت‌های بزرگ با اعمال زور بر کشورهای دیگر سلطه پیدا می‌کردند و خود در رأس آن کشورها حکمرانی می‌کردند و

به چپاول ثروت آن‌ها می‌پرداختند) آزاد و خود به تنظیم اقتصادشان مجبور می‌شوند، رکود اقتصاد سرمایه‌داری را در برمی‌گیرد و مسلمانان که اداره کشورشان را به دست گرفته‌اند می‌کوشند در دامن این مشکلات نیفتند، لذا چشم امیدشان به آموزه‌های وحیانی دین و تجربه تمدن درخشان اسلامی است. با این تصور که مکتبی که در سایه‌ی آن در قرن چهارم و پنجم تمدن باشکوهی شکل گرفته است امروز نیز می‌تواند اداره‌ی امور جامعه را تحت کنترل بگیرد.

اولین کتاب اقتصاد اسلامی به زبان اردو نوشته می‌شود، می‌توان از کتاب اقتصاد اسلامی نوشته سید مناظر احسن جیلانی و کتاب النظام الاقتصاد الاسلامی نوشته محمد حفیظ الرحمن نام برد. در شبه‌جزیره هند و پاکستان، اقتصاد اسلامی توسط ابوالاعلی مودودی و در شمال آفریقا توسط سید قطب و حسن البنا گسترش پیدا می‌کند. در دهه پنجم قرن بیستم برخی دانشگاهیان نیز به تحقیق در اقتصاد اسلامی می‌پردازند. از جمله آن‌ها می‌توان دکتر انور اقبال قریشی را نام برد که با تألیف کتاب «الاسلام و نظریه الفائده» در ۱۹۴۶ سعی کرد بهره را موردنقد قرار دهد؛ اما این جریان در اوج خود در دهه شصت قرن بیستم به تألیف کتاب اقتصادنای شهید محمدباقر صدر می‌رسد که نقطه عطفی در اقتصاد اسلامی ایجاد کرد.

شکل‌گیری بحث از اقتصاد اسلامی در فضایی رخ می‌دهد که بلاد اسلامی به سه شکل با جهان غرب مواجه شده‌اند. ۱. تبعیت سیاسی کامل کشورهای اسلامی از غرب ۲. تبعیت اقتصادی و استقلال سیاسی، به گونه‌ای که کشورهای اسلامی بازار فروش کشورهای غربی می‌شدند ۳. استقلال اقتصادی و سیاسی که تنها از جهت طبیعت نظام اقتصاد سرمایه‌داری تابع غرب بودند.

نقطه اشتراک هر سه مواجه کشورهای اسلامی این است که از نظام اقتصاد آزاد (سرمایه‌داری) و یا مارکسیستی پیروی می‌کردند؛ و مشکل آنجا بود که این سیستم‌ها اولاً خود دچار بحران شده بود و ثانیاً آلوده به ربا، بی‌عدالتی، تبعیض و... بود؛ بنابراین مسلمین به این فکر افتادند که می‌توانند در چهارچوب اسلام اقتصادشان را تنظیم کنند.

مختصری از زندگی شهید صدر و آثار ایشان

سید محمدباقر صدر متولد (۱۹۳۵ میلادی) ۱۳۱۳ شمسی و متوفی (۱۹۸۰ میلادی) ۱۳۵۹ شمسی از مراجع بزرگ تقلید بودند که علوم دینی را نزد آیت الله خویی و برخی از علمای نجف آموختند. تحصیلاتشان را پیش از ۲۰ سالگی به اتمام رساندند و در حوزه علمیه نجف تدریس علوم دینی را

شروع کردند . سید محمد صدر، سید محمدباقر حکیم، سید کاظم حسینی حائری و سید محمود هاشمی شاهرودی، از شاگردان ایشان هستند.

وی در دانش‌هایی چون اصول، فقه، فلسفه سیاست و معرفت‌شناسی نظریه‌های جدیدی ارائه داده که برخی از نظریه‌های مشهورش، نظریه حق الطاعه، توالد ذاتی معرفت و منطقه الفراغ است. او کتاب‌های فراوانی نیز نوشته که فلسفتنا، اقتصادنا، دروس فی علم الاصول (مشهور به حلقات) و الاسس المنطقیه للاستقراء از مهم‌ترین آن‌ها است.

شهید صدر، از نهضت امام خمینی در ایران حمایت می‌کرد و کتاب شش‌جلدی الاسلام یقود الحیاء را نیز به همین منظور نوشت و در زمان اقامت امام خمینی در نجف با او ارتباط نزدیک داشت. شهید صدر جمله‌ای قریب به این مضامین درباره امام گفته‌اند که در ایشان ذوب شوید؛ چنانکه او در اسلام ذوب شده است.

لزوم وجود اقتصاد اسلامی از دیدگاه شهید صدر

تعارضاتی که بین اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد سوسیالیستی با آموزه‌های دینی وجود داشت لزوم اصلاح سیستم اقتصاد و ایجاد نظام اقتصادی جدیدی که بر مبنای هنجاری‌های دینی باشد را ایجاد می‌کرد. در یک تمدن و نظام حکومتی ارکان مختلف باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند تا سعادت جامعه را تضمین کنند. نهادهای مختلف جامعه همچون سیاست، مردم، فرهنگ، قانون، بازار و... در کشورهای اسلامی باید با سیستم اقتصاد همخوانی داشته باشد وگرنه در اداره جامعه اختلال به وجود می‌آید. اگر بانک ربوی در کشور اسلامی وارد شود با اعتراض جدی مردم و علما مواجه می‌شود لذا اقتصاد غربی فارغ از صحت و کذب نظریاتش اصلاً در کشورهای اسلامی به عللی که ذکر شد توان اجرا ندارد.

گذری بر کتاب اقتصادنا

کتاب با نقد اقتصادهای متعارف آن زمان شروع می‌شود و بعد از نقد به بیان ویژگی‌های اقتصاد اسلامی می‌پردازد؛ زیرا سیره‌ی علما از قدیم این بوده که برای بیان نظریاتشان ابتدا نظرات قبلی را تقریر و نقد می‌کردند و سپس نظر خودشان را بیان می‌کردند. همچنین علت اختصاص بخش زیادی از کتاب به نقد این دو مکتب به نفوذ شدیدی برمی‌گردد که عقاید این‌ها در میان جامعه‌ی اسلامی از جمله عراق یافته بود. کتاب در اوایل دهه شصت قرن بیستم تألیف شده و می‌توان گفت اتفاقاتی

مثل شروع جنگ سرد (که مقابله‌ی اندیشه‌ای، جاسوسی، صنعتی و... بلوک غرب (لیبرال) و بلوک شرق (مارکسیست بود))، رکود ۱۹۳۰ و شکل‌گیری اندیشه‌های کینز، سلطه‌ی دلار بر اثر کنفرانس برتوون وودز، تشکیل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، آغاز تجارت آزاد، تشکیل اپک و... در متن کتاب و نیاز به تدوین کتاب اقتصادنا دخیل بوده‌اند.

نقد

۱. نقد اقتصاد مارکسیستی

شهید صدر برای نقد مفصل دو نظام اصلی در اقتصاد یعنی مارکسیسم و لیبرالیسم کتاب فلسفتنا را نوشته‌اند اما در ابتدای کتاب اقتصادنا نیز به‌طور مختصرتری به نقد مبانی این دو می‌پردازند و معتقدند برای نقد این دو نحله باید آن‌ها را از اساس و مبنا نقد کرد. الف) برای نقد مارکسیسم، به روش تفسیر تاریخ آن‌ها اشاره می‌کند و زیربنا بودن اقتصاد و ابزار تولید در جامعه و نقش آن در شکل‌دهی تاریخ را نقد می‌کند. این نگرش مارکسیستی که تحولات در ابزار تولید همه‌ی تغییرات را در تاریخ رقم می‌زند نگرشی مادی‌گرایانه و تک‌بعدی به تاریخ بوده که نظری غلط است. شهید صدر نگرش دیالکتیکی به هستی را نگاهی متناقض می‌داند چراکه خود نظریه هم شامل قانون دیالکتیک می‌شود و محکوم‌به از بین رفتن است؛ یعنی نظریات اقتصاد سوسیالیستی نیز در تحولات ابزار تولید به وجود آمده و محکوم‌به تغییر و شکست در سیکل تاریخ است. اوایل قرن بیستم به‌خصوص در بین کشورهای اسلامی اندیشه مارکسیست بسیار ریشه دوانده بود و در بین عوام و خواص جامعه طرفدار داشت لذا شهید هم به نقد مارکسیست بیش از نقد سرمایه‌داری بها می‌دهد.

۲. نقد اقتصاد سرمایه‌داری

نظام سرمایه‌داری بر پایه سه اصل بنا شده. الف) مالکیت خصوصی (آزادی تملک) ب) آزادی در بهره‌برداری که منجر به بیشترین سود می‌شود (آزادی بهره‌برداری) ج) آزادی مصرف. مبنای اقتصاد سرمایه‌داری آزادی است. هم جامعه و هم فرد با آزادی در پیگیری نفع شخصی به حداکثر رفاه خود می‌رسند. شهید صدر این دیدگاه را مورد مناقشه قرار می‌دهد.

اقتصاد اسلامی

در این قسمت اهم مطالبی که شهید صدر در کتاب اقتصادنا آورده را تقریر می‌کنیم.

الف) ساختار کلی اقتصاد اسلامی بر پایه سه اصل زیر است.

۱. مالکیت چندگانه: مالکیت دولتی، عمومی و خصوصی، برخلاف نظام‌های دیگر اقتصادی هر سه پذیرفته شده‌اند.
۲. آزادی اقتصادی در یک قلمرو محدود: مثلاً زکات به‌عنوان محدودکننده‌ی آزادی ذاتی برای پیش برد جامعه به سمت سعادت است و قوانین به‌عنوان عامل محدودکننده‌ی عینی مطرح هستند.
۳. اصل عدالت اجتماعی: بر همکاری (تکافل عامه) و اصل توازن اجتماعی برقرار است. اصل اول عبارت است از مسئولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر و دومی به معنی توازن در جامعه و بین طبقات آن است. البته تفاوت‌های تکوینی بشر و کار که اساس مالکیت است و حقوق مربوط به آن را نمی‌توان نادیده گرفت لذا توازن اجتماعی در سطح معیشت است و نه در سطح درآمد. لذا چهارچوب مکتب اقتصاد اسلامی معیشت مردم را در نظام اقتصادی به هم نزدیک می‌کند. یکی از ابزارهای توازن اجتماعی مالیات است.

ب) حل تعارض منافع فردی و اجتماعی

در نظام سرمایه‌داری این تعارض در منافع به کمک آزادی در فرد به امید تأمین منافع جامعه و فرد در قالب سازوکار بازار آزاد توجیه می‌شود و در مارکسیست این تعارض به کمک نوعی مثبت‌نگری به این تعارض برای شکل‌گیری یک جریان دیالکتیک برای رسیدن به جامعه آرمانی توجیه می‌شود؛ اما صحیح‌تر این است که گفته شود این تعارض چشم‌پوشی می‌شود.

اما شهید صدر بیان می‌کند که تعارض بین منافع فردی و اجتماعی وجود دارد چراکه منفعت‌طلبی در انسان فطری است و تنها راه‌حل آن نیز درون فطرت است که به آن دین‌گرایی می‌گویند زیرا به‌وسیله دین محدودیت و جهت‌دهی در افراد اتفاق می‌افتد تا از تقابل منافع جلوگیری کند.

ج) ماهیت و بخش‌های اقتصاد اسلامی و شناخت روش کار در هر بخش

اقتصاد اسلامی دارای سه بخش است

۱. مکتب: شامل هنجارهای برآمده از آموزه‌های وحیانی (دین)
- کشف مبانی و مکتب اقتصاد اسلامی از طریق احکام صورت می‌گیرد. در این نگرش احکام که از طریق فرآیند اجتهاد به‌دست آمده‌اند به‌عنوان ربنای مکتب هستند که می‌توان از طریق

شناخت احکام به مبانی مکتب دست‌یافت؛ مثلاً با مطالعه احکام، احادیث و آیاتی که در مورد ارزش کار، سرمایه و نهاده‌های تولید صحبت می‌کند، به یک قاعده کلی به‌عنوان نظریه ارزش کار در اسلام می‌رسیم؛ اما در روش اجتهادی برای این کشف خطا از سه کانال راه می‌یابد:

الف. توجیه واقعیت‌های موجود، مثل توجیه بانک به همین شکل کاپیتالیستی

ب. آمیختن بیان شرعی با چهارچوب محدود غیر اسلامی برای فهم یا تأویل آنچه با عقاید قبلی مجتهد هم‌سنخ نیست

ج. جدا کردن دلیل شرعی از اوضاع و احوال مکانی و زمانی آن و استنباط حکم کلی از یک حکم خاص در زمان خاص: مثل حرام بودن چیدن میوه قبل از رسیدن آن

د. موضع‌گیری قبلی در برابر نص: پیش‌فرض غلط داشتن برای تفسیر متن

لذا برای کاهش این خطا شهید صدر چاره‌ای اندیشیده‌اند و آن هم گزینش احکامی است که با سایر اجزای سیستم در تعارض قرار نمی‌گیرد تا اینکه به یک مجموعه گزاره‌های منسجم برسیم؛ یعنی استفاده از احکام همه‌ی مجتهدین برای رسیدن به یک نظام منسجم

۲. نظام: عینیت (نهاده‌ها: مؤسسات، دولت، فرهنگ و...) شکل‌گرفته بر اساس آموزه‌های مکتب است.

۳. علم: توصیف، تبیین و پیش‌بینی نظام است و در واقع بیان هست و نیست‌ها است.

جمله معروف شهید صدر که اقتصاد اسلامی علم نیست در کنار این تقسیم‌بندی فهم می‌شود که یعنی در حال حاضر که هنوز نظام اقتصاد اسلامی محقق نشده صحبت از علم بی‌معناست و علم اقتصاد اسلامی به این معنا در حال حاضر نداریم. می‌توان گفت روش شهید صدر دریافتن گزاره‌های علمی روش اثبات‌گرا باشد و به‌نوعی از تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم در این مقام دفاع کند چراکه کتاب مبانی منطقی استقرا نیز در پی محکم کردن پایه‌های استدلال استقرایی است تا بتواند آن را در روش‌های علمی بکار گیرد.

د) نظریه توزیع در اسلام

توزیع در اسلام به دو بخش توزیع منابع مادی تولید و توزیع ثروت تولیدشده تقسیم می‌شود؛ یعنی توزیع پیش از تولید و توزیع پس از تولید.

توزیع پیش از تولید: اسلام در مورد تقسیم منابع اصلی تولید یعنی طبیعت، سرمایه و کار قوانینی دارد اما در اقتصاد سرمایه‌داری برای توزیع منابع سازوکاری پیش‌بینی نشده و طبق دیدگاه شهید

صدر توزیع ثروت در آن نظام بر اساس قانون جنگل است! قوانین اسلامی در مورد نحوه توزیع و مالکیت منابع سطحی و عمیق، معادن، زمین‌هایی که به وسیله صلح به دست آمده، نحوه بهره‌برداری از منابع، دریا، رودخانه، ماهیان، پرندگان و حدود مالکیت حاکم و مردم موضع‌گیری دارد؛ و شهید صدر مفصلاً به توصیف آن‌ها می‌پردازد.

ه) مالکیت

مالکیت در پیش از تولید: کار کردن اساس ایجاد مالکیت است؛ اما کار باید به نحوی باشد که بهره‌بردارانه و استفاده‌گرانه باشد و نه به صورت انباشت‌گرایانه. همچنین قانون پایداری مالکیت بیان می‌کند که اگر مثلاً کسی مالک معدنی باشد و کارگران را اجیر کند تا آنجا کار کنند آنگاه کارگران تنها مزد دریافت می‌کنند؛ اما اگر کسی کارگران را اجیر کند تا در معدن کار کنند اما خودش مالک معدن نیست آنگاه کارگران با کار خود مالک تولید خود می‌شوند.

مالکیت در تولید: در تولید هر کس ماده اولیه را آورده و به اصطلاح مالک بنگاه اقتصادی مالک کالا است و به کارگر تنها اجر و مزدش پرداخت می‌شود.

و) بهره

در نظام لیبرالی گذشت زمان و خطرپذیری در قرض برای قرض دهنده، دریافت ربا از قرض‌گیرنده را توجیه می‌کند اما در اسلام همان‌طور که گفته شد کار ایجاد ارزش می‌کند و نه خطرپذیری یا گذشت زمان لذا گرفتن بهره در عقد قرض حرام است.

ح) تولید و توزیع پس از تولید

۱. تولید دو جنبه دارد. جنبه عینی آن که به نحوه استفاده از ابزار و... برمی‌گردد به مکتب اقتصادی اسلام مربوط نیست اما جنبه ذهنی آن که هدف تولید و ارزش‌گذاری محصول را بر عهده دارد در مکتب بحث می‌شود.

نقطه مشترک هر سه نظام، بهره‌وری حداکثری از طبیعت و رشد تولید است. برای رشد تولید، اسلام دو ابزار دارد ۱. ابزارهای فکری (مثل تشویق به کار) ۲. ابزارهای تشریحی

توزیع پس از تولید در مورد نحوه سهم بری عوامل تولید بحث می‌کند: سرمایه، کار و ابزار تولید سه بخش (نهاده) تولید را تشکیل می‌دهند که اسلام باید برای تعیین سهم آن‌ها در تولید موضع‌گیری

داشته باشد. لذا در جدول زیر سعی می‌کنیم نظریه ارزش در اسلام را در کنار دو نظام دیگر توصیف کنیم. هر خواننده منصفی بعد از دیدن نظر اسلام به عادلانه و مقدس بودن آن پی می‌برد.

عوامل تولید	اسلام	مارکسیست	سرمایه‌داری (کاپیتالیسم)
کار	سود ثابت (مزد) یا بهره بدون ضرر	سود ثابت (مزد) یا بهره با ضرر	سود ثابت (مزد)
سرمایه	بهره با ضرر	سود ثابت	سود ثابت (ربا) بهره با ضرر
ابزار تولید	سود ثابت (اجاره‌بها)	سود ثابت	سود ثابت (اجاره‌بها)

- کارگر می‌تواند در جریان تولید مزد بگیرد یا به صورت مضاربه در کار شرکت کند و سود ثابت و بدون ضرر دریافت کند.
- سرمایه می‌تواند در سود و زیان تولید شریک باشد و به این نحو سهمش را دریافت کند؛ زیرا از نظر اسلام سود ثابت و بدون ضرر برای سرمایه ربا محسوب می‌شود.
- ابزار تولید تنها می‌تواند مزد (مال الاجاره) دریافت کند.

مکتب	عامل تولید	سود ثابت (بهره-ربا - اجاره‌بها)	بهره	مصونیت از زیان
اسلام	کار	+	+	+
	سرمایه	-	+	-
	ابزار تولید	+	-	-
کمونیسم	کار	+	+	-
	سرمایه	+	-	-
	ابزار تولید	+	-	-
کاپیتالیسم	کار	+	-	-
	سرمایه	+	+	-

	ابزار تولید	+	-	-
--	-------------	---	---	---

نتایج جالب جداول بالا:

۱. اسلام بزرگ‌ترین مدافع حقوق کارگر است.
۲. امتیازات کمونیسم به کارگر از امتیازات اسلام به کارگر کمتر است.
۳. کارگر در نظام سرمایه‌داری از ابزار تولید محسوب می‌شود.

ط) دولت در اقتصاد اسلامی

اولاً دولت در اقتصاد دو نقش عمده دارد:

۱. فراهم کردن امکانات برای فعالیت ثمربخش مردم

۲. تأمین اجتماعی در مواقع ناتوانی مردم و شرایط خاص دولتی

ثانیاً دولت برای ایفای نقش خودش می‌تواند به فراخور زمان و مکان احکامی را وضع کند؛ و این در زمان ما نیز جایگاه دارد. فهم این مطلب در کنار نظریه منطقه الفراغ ممکن است. برخی احکام اسلامی در زمان معصومین به جهت امر حکومتی و در شرایط خاصی وضع شده است مثل حرمت فروختن میوه قبل از رسیدن آن، لذا باید بین احکام حکومتی (متغیر) و ثابت تفاوت گذاشت. احکام ثابتی در اسلام وجود دارد، اما غیرازاین دسته در مورد سایر افعالی که حکمی صادر نشده منطقه الفراغ است و تعیین حکم بر عهده حاکمیت قرار دارد.

منابع

شهید سید محمدباقر صدر. (1393). اقتصاد ما. پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر

توتونچیان، ایرج. هادوی تهرانی، مهدی. صادقی تهرانی، علی. درخشان، مسعود. مصباحی، غلامرضا (۷۹). گزارش میزگرد پایانی همایش اقتصاد اسلامی، پیشینه تاریخی و چشم‌انداز آینده، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق شماره ۱۱ و ۱

زاهدی وفا، محمدهادی. باقری، علی. (93) تحلیلی بر نظریه ارزش و توزیع در اقتصادنا - مطالعات اقتصاد اسلامی شماره ۱۳

امام موسی صدر. (۱۳۸۶). رهیافت‌های اقتصادی اسلام. تهران: موسسه فرهنگی تحقیقاتی

امام موسی صدر